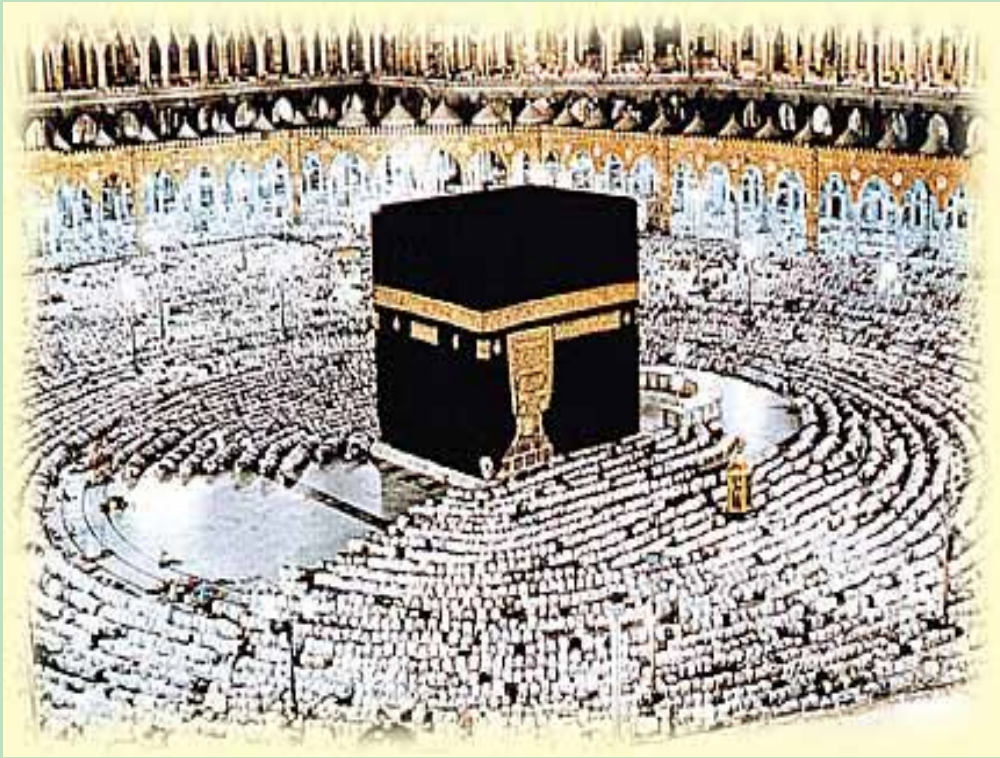


مناسک حجّ



مطابق با فتاوی

آیة الله العظمی سید رضا حسینی نسب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجّ

مسأله 1 - "حج" عبارت است از زیارت کردن خانه کعبه و انجام مناسکی که باید در آنجا بجا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که شرایط زیر را داشته باشد، یک مرتبه واجب می شود.

اول: بالغ باشد.

دوم: عاقل و آزاد باشد.

سوم: بخاطر حج مجبور نشود کار حرامی انجام دهد یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است ترك کند.

چهارم: مستطیع باشد.

مسأله 2 - مستطیع شدن به اموری است که بدین شرح بیان می شود:

اول: آنکه وسیله سفر و توشه راه و چیزهایی که بر حسب حالش در سفر به آن محتاج است برایش فراهم باشد.

دوم: سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند حج را بجا آورد.

سوم: در راه، مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته است یا انسان بترسد که در راه حج جان او به خطر می افتد، حج بر او واجب نیست؛ ولی اگر از راه دیگری بتواند برود که مشکلی یاد شده را نداشته باشد، اگر چه دور تر باشد، در صورتی که مشقت زیاد نداشته باشد و خیلی غیر متعارف نباشد، باید از آن راه برود.

چهارم: بقدر بجا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

پنجم: مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه و مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن به آنها را لازم می دانند، داشته باشد.

ششم: بعد از برگشتن از حج ، کسب یا زراعت یا عایدی ملك یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود بزحمت زندگی کند.

مسئله 3 - زنی که می تواند به مکه برود، ولی بعد از برگشتن، از خود مالی نداشته باشد و شوهرش هم فقیر باشد و خرجی او را ندهد و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست.

مسئله 4 - اگر کسی توشه راه و وسیله سفر نداشته باشد و دیگری بگوید من مخارج حج تو و عیالات تو را در موقعی که در سفر حج هستی می دهم، حج بر او واجب می شود و به عنوان حج واجب محسوب می شود؛ مشروط به اینکه سفر حج، او را از کسب و درآمدی که بعد از بازگشت برای امرار معاش لازم دارد ، محروم نکند و سایر شرایط را داشته باشد. اگر چنین شخصی حج را به جا آورد و بعداً دارای مال و مکتبی کافی برای حج دیگری بشود، دوباره حج بر او واجب نیست.

مسئله 5 - اگر مقداری مال که برای حج کافی است به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه خدمت کسی که مال را داده بنماید، اگر قبول نکند، حج بر او واجب نمی شود ؛ ولی اگر قبول کند و خدمت ، منافات با انجام مناسک حج نداشته باشد، حج واجب می شود.

مسئله 6 - اگر برای تجارت یا کار دیگری به جده برود و آنجا مالی بدست آورد که اگر بخواهد از آنجا به مکه رود مستطیع باشد و سایر شرایط را دارا باشد باید حج کند و در صورتی که حج نماید، اگر چه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود به مکه رود، دیگر حج بر او واجب نیست.

مسئله 7 - اگر انسان اجیر شود که شخصا از طرف فردی دیگر حج

کند، چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.

مسئله 8 - اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و فقیر شود و استطاعتش از دست برود باید به هر طریق مقدوری که می تواند حج را بجا آورد، ولو با اجیر شدن باشد.

مسئله 9 - اگر در سال اولی که مستطیع شده و در آن وقت، قادر به انجام حج بوده ولی حج نرفته و بعداً بواسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج کند و نا امید باشد از اینکه بعداً خودش حج را انجام دهد، باید دیگری را از طرف خود بفرستد تا برایش حج را به جا آورد.

مسئله 10 - کسانی را که برای خدمت در کاروانهای حج استخدام می کنند خواه به عنوان روحانی کاروان باشد یا مدیر و معاون کاروان و یا اعضاء ستاد و بعثه حج و یا پزشک و پرستار یا مأمورین انتظامی و مسؤولین بانك و غیر اینها، و به این صورت حج خود را به جا می آورند، در صورتیکه هزینه خانواده آنان در این مدت نیز تأمین باشد، مستطیع محسوب می شوند و حج آنها به عنوان حج واجب می باشد؛ ولی قبول استخدام در سفر مذکور، واجب نیست.

حج نیابتی

مسئله 11 - جایز است شخصی را از طرف کسی که در گذشته است، برای حج واجب، یا مستحب، اجیر کنند.

مسئله 12 - زن می تواند از طرف مرد، و مرد می تواند از طرف زن، حج نیابتی بجا آورد، و هر کدام باید وظیفه خودش را در چنین حجتی رعایت کنند؛ اگر زن است وظایف زنان را به جا آورد، و اگر مرد است مطابق وظایف مردان عمل کند.

مسئله 13 - اگر شخصی برای حج نیابتی اجیر شود و تعیین نکنند در چه سالی باید انجام دهد، وظیفه او این است که در اولین سال انجام دهد.

مسئله 14 - «نائب» باید مسائل حج را بداند و مطابق آنها عمل نماید، ولی لازم نیست قبلاً حج به جا آورده باشد.

اقسام حج

مسأله 15- حج بر سه قسم است: «حج تمتع» و «حج قران» و «حج افراد». «حج قران» و «حج افراد»، وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که محل سکونت آنها تا شهر مکه، کمتر از چهل و هشت میل باشد، اما «حج تمتع» وظیفه کسانی است که فاصله محل اقامت آنها تا مکه، چهل و هشت میل یا بیشتر باشد.

حج تمتع

مسأله 16- در حج تمتع باید امور ذیل، انجام شود:

الف - عمره تمتع که اعمال آن عبارتند از:

1- احرام بستن از میقات به قصد عمره تمتع.

2- هفت بار طواف خانه کعبه.

3- دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم.

4- سعی بین صفا و مروه.

5- تقصیر، یعنی چیدن مقداری از مو و ناخن.

ب - حج تمتع: که شامل اعمال زیر است:

1- بستن احرام از مکه به قصد حج تمتع.

2- وقوف (یعنی ماندن) در عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب همان روز.

3- وقوف در مشعر الحرام و ماندن در آنجا از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب.

4- رفتن به مینى و رمى جمره عقبه (یعنى زدن هفت سنگ كوچك به ستونى به نام «جمره عقبه یا جمره قصوى»).

- 5- قربانی کردن در مِنی در روز عید قربان (دهم ذی الحجّه).
- 6- تراشیدن سر یا چیدن مقداری از مو و ناخن.
- (با انجام این شش عمل تمام آنچه به خاطر احرام بر او حرام شده بود حلال می شود، جز زن و بوی خوش).
- 7- طواف خانه کعبه به نیت حج تمتّع.
- 8- به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.
- 9- سعی (یعنی رفت و آمد) میان صفا و مروه.
- (هنگامی که این چند عمل انجام شد بوی خوش برای او حلال می شود).
- 10- انجام طواف نساء.
- 11- دو رکعت نماز طواف نساء.
- (با انجام این دو عمل ، همسر او نیز بر او حلال می شود).
- 12- بازگشت به مِنی و اقامت در شب یازدهم و شب دوازدهم (و شب سیزدهم در بعضی از حالات که توضیح آن خواهد آمد) در آن محل.
- 13- رمی جمرات سه گانه (یعنی انداختن هفت سنگ به هر کدام از سه ستون "جمرات" که در مِنی قرار دارد) در روز یازدهم و دوازدهم.
- و بعد از ظهر روز دوازدهم با انجام این اعمال، حجّ او تمام است.

حجّ افراد و قران

حجّ افراد مانند حجّ تمتّع است با این تفاوت که در حجّ تمتّع قربانی واجب است ، ولی در حجّ افراد واجب نیست. عمره حجّ افراد نیز بعد از اعمال حج می باشد به خلاف عمره تمتّع که پیش از اعمال حج تمتّع انجام می شود. در حجّ قران، باید شخص، حیوانی را که می خواهد قربانی کند با خود ببرد.

شرایط حجّ تمتّع

مسأله 17- در حجّ تمتّع چند شرط وجود دارد:

- 1- نیت حجّ تمتّع با قصد قربت برای خدا.
- 2- «عمره» و «حج» باید هر دو در فصل حج انجام شود.
- 3- «عمره تمتّع» و «حجّ آن» هر دو را باید در يك سال انجام دهد، اگر یکی را امسال، و دیگری را سال دیگر در فصل حج انجام دهد صحیح نیست.

مسأله 18- اگر برای زنی در وقت حجّ، عادت ماهانه فرا برسد و نتواند طواف و نماز طواف را، که شرط آن طهارت است، پیش از رسیدن موسم حج (و وفوف به عرفه) انجام دهد باید نیت حجّ افراد کند و با همان احرام به عرفات برود و اعمال حج را انجام دهد، و بعد از بازگشت به مکه و پاک شدن، طوافهای حج و نمازهای طواف را انجام می دهد، و پس از اتمام حج برای «عمره مفرده» به مسجد تنعیم رفته و از آنجا محرم می شود و اعمال عمره مفرده را انجام می دهد.

مسأله 19- زنان می توانند به وسیله خوردن قرص و مانند آن از عادت ماهانه خود جلوگیری کنند تا بتوانند اعمال حج تمتّع، از جمله طواف و نماز طواف را در حال پاکی انجام دهند.

میقات

مسأله 20- میقات جائی است که باید از آنجا برای حج یا عمره احرام بست، و بدون احرام نمی توان از آن گذشت.

مسأله 21- میقاتهای احرام شامل ده محل به شرح ذیل می باشند:

1- مسجد شجره:

مسأله 22- مسجد شجره در کنار مدینه قرار دارد و کسانی که می خواهند از راه مدینه به حج روند باید از آنجا محرم شوند.

مسأله 23- واجب نیست احرام از داخل مسجد شجره باشد، بلکه می توان در کنار مسجد نیز احرام بست، و تفاوتی میان مسجد سابق و

مسجد امروز که بسیار توسعه یافته است وجود ندارد، بنابراین زنانی که در حال عادت ماهانه هستند می توانند در بیرون مسجد احرام ببندند.

2- جُحْفَه:

مسأله 24- «جحفه» محلی است میان مدینه و مکه. کسانی که با هواپیما وارد فرودگاه جدّه می شوند، و نمی خواهند به مدینه روند می توانند به جحفه رفته، و از آنجا مُحَرَّم شده، به مکه بروند.

مسأله 25- در «جحفه» مسجدی است که می توان از بیرون مسجد یا داخل آن احرام بست و بهتر است در داخل مسجد، احرام ببندند.

3- وادی عقیق

مسأله 26- وادی عقیق محلی است در سمت شمال شرقی مکه، و آن میقات اهل «عراق» و مردم «نجد» است، و تمام کسانی که از آن محل عبور می کنند می توانند از آنجا محرم شوند.

4- قرن المنازل

مسأله 27- «قرن المنازل» محلی است نزدیک «طائف» .

5- یلملم

مسأله 28- «یلملم» در نواحی جنوبی مکه قرار دارد.

(این پنج میقات اصلی است).

6- شهر مکه

مسأله 29- «مکه» میقات برای «حجّ تمّتع» است؛ یعنی پس از انجام عمره برای ادای مناسک حج، که نخستین عمل آن رفتن به «عرفات» است، از شهر مکه احرام می بندند.

مسأله 30- در هر جای شهر مکه می توان برای حج تمتع احرام بست، ولی از محدوده حرم خارج نباشد. مسجد الحرام برای احرام بستن حج تمتع ، فضیلت بیشتر دارد.

7- منزل خود انسان

مسأله 31- کسانی که محل زندگی آنها از میقات به مکه نزدیکتر است میقاتشان همان منزل خودشان است.

8- جعرانه

مسأله 32- «جعرانه» محلی است در انتهای حرم میان طائف و مکه و میقات اهل مکه می باشد.

9- محاذات یکی از میقاتها

مسأله 33- کسانی که از میقاتها پنجگانه اول نمی گذرند، هرگاه به محاذات هر يك از میقاتها برسند باید از همانجا محرم شوند و لزومی ندارد حتماً به یکی از میقاتهای پنجگانه نخستین بروند، و اگر از محاذات دو میقات می گذرند باید وقتی به محاذات نخستین میقات می رسند احرام ببندند.

10- أدنی الحل

مسأله 34 «أدنی الحل» یعنی اولین نقطه خارج از حرم، (مانند تنعیم) ، میقات کسانی است که عمره مفرده به جا می آورند.

احکام میقاتها

مسأله 35- احرام بستن باید در محل میقات انجام گردد و نباید قبل از رسیدن به میقات باشد، همان گونه که گذشتن از میقات بدون احرام جایز نیست، اما در موارد ذیل می تواند پیش از رسیدن به میقات ، احرام ببندد:

1- در صورتی که نذر کند قبل از میقات مُحَرَّم شود ، لازم است به نذر خود وفا کند و نیازی به تجدید احرام در میقات نیست.

2- کسی که می خواهد عمره ماه رجب را به جا آورد و بیم آن دارد که ماه رجب قبل از رسیدن به میقات بگذرد می تواند قبل از میقات، مُحَرَّم شود تا فضیلت عمره ماه رجب را درک کند.

مسأله 36- رسیدن به میقات باید با یقین، یا اطمینان، یا مشهور بودن در میان اهل محل، یا حداقل شهادت يك نفر عادل ثابت شود.

مسأله 37- اگر از روی علم و عمد بدون احرام از میقات بگذرد باید به میقات بازگردد و مُحَرَّم شود، و گرنه، حج او باطل است، و باید سال بعد انجام دهد.

احرام

واجبات احرام عبارتند از:

اول: نیت

مسأله 38- برای احرام عمره تمتع می تواند به زبان بگوید: «احرام می بندم برای عمره تمتع از حج واجب (یا مستحب) برای خودم (یا برای کسی که از طرف او نیابت دارم) قربة الى الله»؛ همچنین می تواند به جای گفتن با زبان، این معنا را در ذهنش بگذراند. اما برای احرام حج می گوید: «احرام می بندم برای حج واجب قربة الى الله» و در عمره مفرده می گوید: «احرام می بندم برای عمره مفرده قربة الى الله»، همانگونه که گفته شد می تواند برای نیت، چنین قصدی در دل او باشد.

دوم: گفتن لَبَّيْكَ

مسأله 39- واجب است با بستن احرام «لَبَّيْكَ» را بدین شرح بگوید:

" لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ "

یعنی: خدایا تو را اجابت می‌کنم، شریکی برای تو نیست، تو را اجابت می‌کنم، سپاس و ستایش تنها سزاوار تو است، و نعمت و جهانداری از آن تو است، هیچ همتائی برای تو نیست.»

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ دَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَفَّارَ
الدُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ تَبْدِيٍّ وَ الْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يَغْتَفِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ،
لَبَّيْكَ مَرْعُوبًا وَ مَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَا
النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكَرْبِ الْعِظَامِ
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.»

مسئله 40- اگر شخصی نتواند خودش این عبارات را با عربی صحیح ادا کند کافی است دیگری شمرده برای او بخواند و او تکرار نماید، و در صورتی که قادر بر تلفظ صحیح نباشد باید آنچه را می‌تواند، بگوید، و ترجمه آن را به زبانی که می‌داند بگوید، و احتیاطاً يك نفر که توانائی دارد به نیابت او نیز آن عبارت را بگوید.

مسئله 41- برای احرام فقط يك بار لبیک گفتن (به صورتی که گفته شد) واجب است، و بعد از آن مستحب است آن را در حالات مختلف مانند موقع سوار شدن بر وسائل نقلیه و پیاده شدن، و گذشتن از پستیها و بلندیها، و بعد از نمازها تکرار نماید.

مسئله 42- در احرام عمره تمتع باید مُحْرَم هنگام مشاهده ساختمان‌های شهر مکه، گفتن «لبیک» را قطع کند.

مسئله 43- شخص گنگ به جای گفتن «لبیک» با دست خود اشاره می‌کند، و زبان خود را طبق معمول حرکت می‌دهد، و بنا بر احتیاط مستحب، کسی به نیابت او نیز لبیک بگوید.

مسئله 44- با گفتن «لبیک» تمام کارهایی که بر مُحْرَم حرام است بر او حرام می‌شود.

سوم: پوشیدن لباس احرام

مسئله 45- مردی که می‌خواهد احرام ببندد باید قبلاً لباسهائی را که پوشیدنش بر محرم حرام است از تن بیرون آورد، سپس دو جامه احرام را بر تن کند، یکی را به صورت لنگ دور کمر ببندد (که «إزار» نامیده می‌شود) و دیگری را مانند عبا بر دوش ببندارد (که «رداء» نامیده می‌شود). این حکم مخصوص مردان است، و برای زنان پوشیدن این دو جامه، نه زیر لباسها، و نه روی لباسها، لازم نیست.

مسئله 46- در لباس احرام، جنس و رنگ خاصی شرط نیست، اما باید دوخته نباشد.

مسئله 47- اگر مردی به خاطر فراموشی یا نا آگاهی از مسئله، در حالی که پیراهن یا لباسهای معمولی دیگر در تن دارد احرام ببندد، احرام او صحیح است، ولی باید فوراً آن لباس را از تن بیرون آورد و فقط لباس احرام بپوشد.

مسئله 48- شخص محرم می‌تواند لباس احرام را برای شستن یا عوض کردن یا حمام رفتن آن را از تن درآورد و دوباره بپوشد.

مسئله 49- پوشیدن بیش از دو جامه احرام برای جلوگیری از سرما یا گرما یا غیر آن اشکالی ندارد؛ ولی چنانکه گفته شد باید دوخته نباشد.

مسئله 50- تمام چیزهائی که در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می‌باشد، بنابراین باید جامه های احرام پاك باشد، و از اجزای حیوان حرام گوشت، یا ابریشم خالص، و زریفت نباشد. اما در مواردی که نجس بودن لباس نمازگزار بخشوده شده، در لباس احرام نیز بخشوده است.

مسئله 51- لباس احرام باید بدن نما نباشد.

مسئله 52- اگر لباس احرام نجس شود باید آن را بشوید و اگر میسر نبود هر وقت برای او ممکن شد می‌شوید.

مستحب است هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرْصِي وَ
أَعِيدُ فِيهِ رَيْبِي وَ أَنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتَهُ
فَبَلَغَنِي وَ أَرَدْتَهُ فَأَعَانَنِي وَ قِيلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ
فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حَصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَحَائِي
وَ مَنجَاي وَ دَخْرِي وَ عِدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَحَائِي.»

اموری که مُحرم باید از آنها اجتناب کند

مسأله 53- هنگامی که انسان مُحرم می شود، باید از امور زیر بپرهیزد،
و بعضی از آن موارد، کفاره دارد:

- 1- پوشیدن لباس دوخته (برای مردان)
- 2- پوشیدن چیزی که پشت پا را می پوشاند (برای مردان)
- 3- پوشانیدن سر (برای مردان)
- 4- پوشانیدن صورت (برای زنان)
- 5- زینت کردن
- 6- سرمه کشیدن
- 7- نگاه در آئینه کردن
- 8- استعمال بوی خوش
- 9- مالیدن روغن به بدن
- 10- ناخن گرفتن
- 11- زیر سایه رفتن در حال سفر (برای مردان)
- 12- زائل کردن مواز بدن
- 13- عقد ازدواج

14- نگاه کردن به همسر از روی شهوت

15- لمس کردن همسر

16- بوسیدن

17- نزدیکی کردن

18- استمناء کردن

19- کشتن حشرات

20- کندن دندان

21- خارج نمودن خون از بدن

22- مجادله کردن

23- دروغ گفتن

24- صید حیوانات صحرائی

25- حمل اسلحه

1- پوشیدن لباس دوخته

پوشیدن لباسهایی مانند پیراهن و قبا و شلوار و زیرپیراهن، بر مردان در حال احرام حرام است.

مسئله 54- در ممنوع بودن پوشیدن لباس دوخته شده تفاوتی میان لباس کوچک و بزرگ نیست ولی انداختن پتوهائی که اطراف آن دوخته شده بر شانه برای دفع سرما و مانند آن، یا کشیدن لحاف دوخته شده به روی بدن (به شرط اینکه سر خود را با آن نپوشاند) اشکال ندارد.

مسئله 55- بستن کمر بند یا همیان بر کمر مانعی ندارد هرچند دوخته شده باشد (همیان چیزی است که پول نقد و مانند آن را در آن می گذارند و بر کمر می بندند).

مسأله 56- استفاده از فتق بند هرچند دوخته باشد جایز است، همچنین کیفهای دوخته ای که به گردن یا شانه می اندازند، و اشیاء مورد نیاز خود را در آن حفظ می کنند.

مسأله 57- پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان جایز است، مگر دستکش.

مسأله 58- کسی که عمداً یا در حال اضطرار لباس دوخته بپوشد کفاره آن يك گوسفند است، اما اگر از روی فراموشی یا جهل باشد چیزی بر او واجب نیست.

2- پوشاندن پشت پا

مسأله 59- پوشیدن کفشهایی که تمام پشت پا را می پوشاند مانند چکمه و گیوه و امثال آن و همچنین جوراب در حال احرام جایز نیست، اما اگر قسمتی از پشت پا را بپوشاند، مانند بند نعلین و کفشهایی که قسمتی از پشت پا در آن بیرون است مانعی ندارد، این حکم مخصوص مردان است، و کفش و جوراب برای زنان اشکال ندارد.

مسأله 60- هرگاه حوله احرامی بلند باشد و پشت پا را بپوشاند، یا مثلاً برای رفع درد پا، پارچه ای را داغ کنند و روی پشت پا بگذارند اشکالی ندارد.

3- پوشانیدن سر برای مردان

مسأله 61- پوشانیدن سر در حال احرام برای مردان مُحرم حرام است، ولی پوشانیدن سر با دست یا به هنگام خواب به وسیله بالش جایز است، همچنین انداختن بند مشك و ساك و مانند آن بر سر جایز است، پوشانیدن صورت نیز برای مردان مانعی ندارد.

مسأله 62- جایز نیست مُحرم سر خود را در آب فرو برد، خواه بقیه بدن زیر آب باشد یا نه، اما ریختن آب بر سر، خواه با رفتن زیر دوش برای غسل باشد یا غیر آن مانعی ندارد.

مسأله 63- کفاره پوشانیدن سر به طور عمد برای مردان بنا بر احوط، يك گوسفند است، ولی در صورت جهل به مسأله و فراموشی کفاره ندارد.

4- پوشانیدن صورت برای زنان

مسأله 64- پوشانیدن صورت برای زنان در حال احرام جایز نیست.

مسأله 65- پوشانیدن قسمتی از صورت به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند حرام نیست، و گذاردن صورت بر بالش در حال خواب و یا پوشانیدن به وسیله دست مانعی ندارد.

5- زینت کردن

مسأله 66- جایز نیست مردان انگشتر زینتی بپوشند ولی انگشترهایی که برای ثواب در دست می کنند مانند انگشتر عقیق، اگر جنبه تزئینی ندارد بی اشکال است، بنابراین اگر انگشتر زینتی باشد باید از پوشیدن آن خودداری کند خواه به قصد زینت باشد یا نباشد.

مسأله 67- پوشیدن زینت آلات و اظهار آن برای زنان نیز در حال احرام جایز نیست.

6- سرمه کشیدن

مسأله 68- سرمه کشیدن برای زنان و مردان اگر جنبه زینت داشته باشد در حال احرام حرام است، و اگر جنبه زینت ندارد مثلاً برای درمان چشم سرمه بکشد و شکل زینت به خود نگیرد اشکالی ندارد.

7- نگاه کردن در آئینه

مسأله 69- نگاه کردن از روی عمد در آئینه برای تزئین خود، و اصلاح سر و وضع خویش در حال احرام جایز نیست، خواه مرد باشد یا زن، اما در موارد ضروری مثل نگاه کردن رانندگان در آئینه برای دیدن اطراف اتومبیل، یا نگاه پزشک برای دیدن دهان و دندان بیمار، یا نگاه به آئینه بی آن که عکس خویش را در آن ببیند و مانند آن، مانعی ندارد.

8- استعمال بوی خوش

مسئله 70- استعمال بوی خوش، مانند انواع عطرها، و مشک و زعفران و گلاب و امثال آن خواه از طریق بوئیدن باشد، یا مالیدن بر بدن و لباس یا پراکندن در فضای اطاق یا خوردن غذاهای معطر، بر مرد و زن مُحرم حرام است.

مسئله 71- خوردن میوه های خوشبو مانند سیب و پرتقال و غیر آن مانعی ندارد.

مسئله 72- مُحرم نمی تواند با صابونهای عطری یا شامپوهای معطر خود را بشوید، و لازم است از گذاشتن این گونه اشیاء در کنار لباس احرامی خود که سبب بو گرفتن آنها می شود خودداری کند.

9- مالیدن روغن به بدن

مسئله 73- مالیدن هر نوع روغن به بدن خواه معطر باشد یا نه برای مُحرم جایز نیست.

مسئله 74- مالیدن انواع پمادها بر بدن برای معالجه و درمان مانعی ندارد.

10- ناخن گرفتن

مسئله 75- گرفتن ناخن دست یا پا، حتی گرفتن يك ناخن یا بعضی از آن، بر مُحرم حرام است، ولی اگر ناخن آسیب دیده که ماندنش ضرر دارد، یا مایه ناراحتی شدید است، می تواند آن را بکند، ولی باید کفاره آن را که در مسئله بعد آمده بپردازد.

مسئله 76- هرگاه گرفتن ناخن از روی فراموشی یا ندانستن مسئله بوده باشد چیزی بر او نیست، و اگر از روی علم و عمد باشد کفاره گرفتن هریک ناخن، يك مد طعام است (حدود 750 گرم) که باید به فقیر بدهد، و هرگاه تمام ناخن دستها را بگیرد کفاره آن يك گوسفند است، همچنین اگر تمام ناخنهای دست و پا را در يك مجلس بگیرد کفاره آن يك گوسفند است، اما اگر ناخن دستها را در يك مجلس و ناخن پاها را در مجلس دیگر بگیرد، کفاره آن، دو گوسفند است.

11- زیر سایه رفتن در حال سفر

مسئله 77- مرد مُحرم هنگام سفر و حرکت در راه نباید زیر سایه باشد، یا سایبانی مانند چتر بر سر بگیرد، بنا براین سوار شدن بر وسایل نقلیه سرپوشیده در طول سفر برای مردان مُحرم جایز نیست، ولی برای زنان جایز است.

مسئله 78- در منازل وسط راه یا در مکه و عرفات و مشعر و مینى، رفتن زیر خیمه و سقف منزل مانعی ندارد، همچنین گذشتن از بازارهای سرپوشیده و تونلهائی که برای عابران درست کرده اند.

مسئله 79- در هنگام شب یا روزهای کاملاً ابری می توان از ماشین سقف دار یا هواپیما استفاده کرد.

مسئله 80- گذشتن از سایه دیوارها و زیر پلهای وسط راه مانعی ندارد، و همچنین بودن در سایه ای که از دیواره های اتومبیل سرباز به وجود می آید جایز است.

مسئله 81- بیماران و کسانی که از حرارت آفتاب شدیداً رنج می برند، یا تابش آفتاب به آنها زیان می رساند می توانند از ماشین سقف دار و مانند آن استفاده کنند، اما باید کفاره بدهند (کفاره آن در مسئله بعد خواهد آمد).

مسئله 82- اگر مُحرم از روی سهو و فراموشی یا جهل به مسئله به زیر سایه پرود کفاره ندارد، اما اگر عمدآ یا به خاطر ضرورتی باشد کفاره دارد و کفاره آن يك گوسفند است.

مسئله 83- گوسفند کفاره باید به مصرف فقرا برسد.

12- زایل کردن مو از بدن

مسئله 84- مُحرم نباید مو از بدن خود یا دیگری جدا کند، خواه با تراشیدن باشد یا قیچی کردن، یا کندن به هر وسیله دیگر، خواه شخصاً این کار را انجام دهد، یا دیگری را وادارد که او را اصلاح نماید.

مسئله 85- شانه زدن موی سر و صورت اگر بداند سبب کنده شدن موها می شود جایز نیست.

مسئله 86- اگر داشتن موی سبب بیماری گردد، یا ناراحتی شدید تولید کند، جایز است آن را زایل کند، ولی کفاره دارد، و کفاره آن در مسئله آینده می آید.

مسئله 87- هرگاه عمداً سر خود را بتراشد، یا موهای زیر هر دو بغل یا یکی را زایل کند، کفاره آن يك گوسفند است، اما اگر مقداری از موی سر یا صورت یا زیر گلو یا زیر بغل و مانند آن را زایل کند، يك فقیر را اطعام نماید کافی است.

مسئله 88- اگر از روی ندانستن مسئله، یا فراموشی و غفلت موی بدن را زایل کند کفاره ندارد، و هرگاه در موقع وضو و غسل دست بر بدن بکشد و موهائی کنده شود چیزی بر او واجب نیست.

13- عقد ازدواج

مسئله 89- ازدواج کردن در حال احرام برای مُحرم جایز نیست، خواه خودیش صیغه عقد را بخواند، یا به دیگری وکالت دهد، خواه عقد دائم باشد یا موقت، و در این حال عقد او باطل است، و در صورتی که علم به حرام بودن آن داشته باشد و از روی عمد اقدام به این کار کند، آن همسر برای او حرام ابدی خواهد شد. همچنین جایز نیست مُحرم برای دیگری صیغه عقد بخواند، هرچند او غیر مُحرم باشد و در این صورت نیز عقد او باطل است، اما حرام ابدی نمی شود، و در هیچ يك از این موارد، کفاره واجب نیست.

مسئله 90- جایز نیست مُحرم در مجلس عقد ازدواج برای شاهد بودن حضور پیدا کند.

14 و 15 و 16- نگاه کردن و لمس کردن و بوسیدن

مسئله 91- جایز نیست مُحرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند، یا دست بر بدن او بگذارد، یا ببوسد، ولی نگاه و لمس بدون شهوت مانعی ندارد.

مسئله 92- هرگاه با شهوت به همسر خود نگاه کند یا او را لمس نماید باید يك گوسفند کفاره بدهد، و اگر انزال حاصل شود باید يك شتر کفاره بدهد. همچنین اگر همسر خود را به قصد لذت ببوسد يك شتر بر او واجب می شود.

17- نزدیکی کردن

مسئله 93- نزدیکی با همسر در حال احرام جایز نیست و این مسأله سه حالت دارد:

1- هرگاه در احرام حج از روی علم و عمد نزدیکی کند چنانچه قبل از وقوف به مشعرالحرام صورت گیرد حج او فاسد می شود، ولی باید آن را تمام کرده و سال آینده اعاده نماید، و کفاره آن يك شتر است، و باید آن زن و مرد تا آخر بقیه مناسك حج از هم جدا باشند.

حکم زن نیز اگر از روی علم و عمد و اختیار باشد همین است، ولی اگر همسرش او را مجبور کرده باشد کفاره ندارد، و مرد باید دو کفاره بدهد.

اما اگر این عمل بعد از وقوف در مشعر الحرام و قبل از طواف نساء صورت گیرد حج آنها صحیح است ولی يك شتر کفاره دارد.

2- هرگاه نزدیکی از روی عمد و علم، در عمره تمتع واقع شده باشد، يك شتر بر او است، ولی عمره او باطل نمی شود .

3- هرگاه نزدیکی از روی علم و عمد، در عمره مفرده واقع شده باشد اگر قبل از اتمام سعی صفا و مروه باشد عمره او باطل است و يك شتر باید کفاره بدهد، و باید تا ماه بعد صبر کند، سپس به یکی از میقاتها رفته مجدداً احرام ببندد و عمره مفرده را اعاده کند.

مسئله 94- اگر از روی فراموشی یا غفلت یا ندانستن مسأله نزدیکی کند ضرری به حج یا عمره او نمی زند، کفاره هم ندارد.

18- استمناء کردن

مسئله 95- هرگاه مُحرم استمناء کند و انزال شود، حکمش حکم کسی است که با زنی نزدیکی کرده باشد که شرح آن در مسائل سابق گذشت؛ و اگر با همسر خود ملاعبه کند و انزال شود، کفاره مذکور بر او واجب است.

19- کشتن حشرات

مسئله 96- مُحرم نباید حشرات را مانند مورچه، پشه و مگس و دیگر جنیندگان را بکشد، مگر این که مایه آزار و اذیت غیر قابل تحمل باشند، یا حیوانات موذی و خطرناک مثل مار و عقرب و مانند آنها باشند که بخواهند به او آسیبی برسانند.

20- بیرون آوردن خون از بدن

مسئله 97- مُحرم باید از بیرون آوردن خون از بدن در غیر حال احتیاج و ضرورت، خودداری کند.

21- کشیدن دندان

مسئله 98- از کشیدن یا کندن دندان در حال احرام اگر باعث خونریزی شود نیز، خودداری شود.

22- دروغ گفتن و دشنام دادن

مسئله 99- دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است، ولی در حال احرام به صورت مؤکد از آن نهی شده و در صورتی که شخصی مرتکب آن شود باید فوراً استغفار و توبه کند.

23- مجادله و نزاع

مسئله 100- «جدال» در حال احرام ممنوع است و منظور از «جدال» در اینجا آن است که برای اثبات مطلبی در مقابل دیگری به خدا سوگند یاد کند و بگوید: «بلی و الله» یعنی «آری به خدا سوگند که مطلب چنین است»، یا برای نفی مطلبی بگوید: «لا و الله» یعنی «نه به خدا سوگند مطلب چنین نیست» و فرقی در میان عربی و فارسی و زبانهای دیگر نمی باشد.

مسئله 101- سوگند دروغ و راست در این حکم یکسان است، ولی اگر قسم دروغ باشد کفاره آن در همان مرتبه اول يك گوسفند است، و اگر راست باشد چنانچه سه مرتبه تکرار کند، کفاره اش يك گوسفند می باشد، اما کمتر از سه بار کفاره ندارد، هرچند باید استغفار کند.

مسأله 102- اگر به صورت دوستانه (نه به خاطر خصومت) بگویند که خدا قسم این کار را نکن، یا بگویند که خدا بگذارد من به تو کمک کنم، حرام نیست و کفاره هم ندارد.

24- شکار کردن حیوانات صحرائی

مسأله 103- شکار کردن حیوانات صحرائی یا ذبح آنها در حال احرام، حرام است، همچنین شکار پرندگان. و فرقی نمی‌کند که به تنهایی شکار کند، یا به کمک دیگران، همچنین حرام است نشان دادن شکار به شخص شکار کننده، یا بستن و گرفتار کردن آن برای اینکه دیگری آن را شکار کند، یا خوردن گوشت شکار.

مسأله 104- برای کشتن و شکار کردن هر يك از حیوانات صحرائی از روی علم و عمد، کفاره ای معین شده است، که در کتابهای مفصل فقهی بیان گردیده.

25- حمل کردن سلاح

مسأله 105- مُحرم نباید با خود اسلحه حمل کند، خواه اسلحه گرم باشد یا سرد، ولی در موارد ضرورت و خطر و ترس از دزد و حیوان درنده و دشمن، جایز است.

مسأله 106- کفاره حمل اسلحه در حال احرام از روی عمد و علم، يك گوسفند است.

طواف

مسأله 107- دوم از واجبات عمره، طواف است، یعنی گردش به دور خانه کعبه (هفت دور). طواف هم در عمره واجب است و هم در حج (يك مرتبه در عمره و دو بار در حج).

مسأله 108- شرایط طواف عبارتند از:

اول: «نیت» زیرا طواف از عبادات است و بدون نیت همراه با قصد قربت، صحیح نیست.

دوم: «طهارت از حدث» یعنی وضو داشتن و پاک بودن از جنابت و حیض و نفاس.

مسئله 109- اگر دسترسی به آب پیدا نکنید، یا از استعمال آب معذور باشید می‌تواند به جای آن تیمم کند، خواه تیمم بدل از غسل باشد یا بدل از وضو، و طواف را به جا آورد.

مسئله 110- اگر زنی حائض باشد و نتواند طواف و نماز طواف را با طهارت قبل از وقوف به عرفات به جا آورد باید به حج افراد تغییر نیت دهد، و بعد از اتمام حج، عمره مفرده را با طهارت انجام دهد، ولی بانوان می‌توانند با خوردن قرص عادت را به عقب بیندازند و طواف حج و عمره را به جا آورند.

مسئله 111- هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وضوی او باطل شود باید تجدید وضو کند و باز گردد، اگر حداقل چهار دور را تمام کرده باشد دنباله آن را به جا می‌آورد، و اگر کمتر از چهار دور بوده است از اول شروع می‌کند، و اگر زن در حال طواف، عادت ماهانه ببیند حکم او نیز بعد از پاک شدن همین است.

مسئله 112- نشستن در حال طواف برای چند لحظه در حال ضرورت برای رفع خستگی مانعی ندارد، ولی نباید به نحوی باشد که موالات (یعنی پی در پی بودن) طواف به هم بخورد.

سوم: «طهارت» از نجاست است.

مسئله 113- بدن و لباس طواف کننده باید از هر نجاستی پاک باشد، ولی در مورد خون زخمها اگر نشستن آن باعث مشقت و عسر و حرج باشد ضرری برای طواف ندارد.

مسئله 114- اشیائی مانند جوراب، کمر بند و همیان که لباس محسوب نمی‌شوند، اگر نجس باشد عیبی ندارد.

مسئله 115- هرگاه لباس یا بدن نجس باشد و نداند، یا می‌داند و فراموش کرده است، چنانچه بعد از طواف بفهمد، طوافش صحیح است، و اگر در حال طواف بفهمد باید لباس خود را عوض کند، و با لباس پاک، طواف را ادامه دهد، و اگر لباس پاک همراه ندارد طواف را متوقف می‌کند، و لباس یا بدن را آب می‌کشد، سپس باقیمانده طواف را به جا می‌آورد و طوافش صحیح است.

چهارم: ختنه است.

مسئله 116- اگر مردی ختنه نکرده باشد طوافش باطل است.

مسئله 117- اگر مکلف ختنه نشده باشد و مستطیع گردد چنانچه بتواند ختنه کند باید در همان سال به حج رود، و اگر نتواند، حج را به تأخیر می‌اندازد تا ختنه کند، و اگر ختنه کردن همیشه برای او ضرر دارد باید با همان حال حج را به جا آورد.

پنجم: پوشانیدن عورت است.

مسئله 118- پوشاندن عورت بر طواف کننده واجب است.

واجبات طواف

مسئله 119- در طواف هفت چیز واجب است:

اول: باید طواف را از «حجرالاسود» شروع کند.

دوم: باید دور هفتم طواف را به «حجرالاسود» ختم نماید، ولی بهتر آن است که کمی قبل از حجرالاسود شروع کند و کمی بعد از آن ختم نماید تا یقین حاصل کند که هفت دور تمام انجام داده است.

سوم: واجب است طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد (حرکت او در طواف، بر خلاف جهت حرکت عقربه ساعت باشد)، همان گونه که معمول همه مسلمین است.

مسئله 120- لازم نیست شانه چپ در تمام حالات محاذی کعبه باشد، بلکه همین اندازه که مطابق معمول خانه کعبه را دور بزند کافی است.

چهارم: واجب است «حجر اسماعیل» را داخل طواف قرار دهد، یعنی از بیرون حجر اسماعیل کعبه را دور بزند، بنابراین اگر از داخل «حجر اسماعیل» طواف کند باید آن دور را نادیده گرفته و از حجرالاسود اعاده نماید (ولی نظر به این که به عقب برگشتن در این گونه موارد با ازدحام جمعیت مشکل است بهتر این است که همراه طواف کنندگان آن دور را بدون نیت ادامه دهد، تا به حجرالاسود برسد، سپس نیت می‌کند و آن دور را اعاده می‌کند).

پنجم: طواف باید در خارج خانه کعبه باشد، بنابراین طواف در داخل خانه کعبه جایز نیست. همچنین جایز نیست روی آن قسمت از کناره کعبه که «شاذروان» نام دارد، طواف کند و نیز جایز نیست روی دیوار «حجر اسماعیل» برود و طواف کند.

مسأله 121- دست گذاشتن بر دیوار خانه کعبه یا بر دیوار حجر اسماعیل، ضرری برای طواف ندارد.

ششم: در صورتی که مسجد الحرام خلوت باشد، باید طواف در فاصله میان کعبه و مقام ابراهیم (ع) انجام شود؛ ولی در صورت ازدحام زیاد و مشکل بودن طواف در آن فاصله، طواف در تمام مسجد الحرام جایز است؛ و طواف در طبقات بالای مسجد الحرام نیز، در حال ضرورت اشکال ندارد.

هفتم: موالات در طواف شرط است، یعنی باید هفت دور کامل به صورت پی در پی دور خانه خدا بگردد.

مسأله 122- هرگاه کسی مشغول طواف واجب باشد و وقت نماز فریضه فرا رسد، می تواند طواف را قطع کرده و نماز را به جا آورد، سپس بقیه طواف را تکمیل کند.

مستحب است در حال طواف این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدِّ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ بِهِ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَنْمَتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.»

و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خداوند متعال بخواهد.

احکام طواف

مسأله 123- کسی که «طواف عمره تمتع» را ترك کند چند صورت دارد:

1- اگر عمداً طواف واجب را ترك کند، حج او باطل می باشد و یک شتر، کفاره آن است.

2- کسی که از روی جهل و نادانی طواف را ترك کند حجّ او میبدل به حجّ افراد می شود، و بعد از آن عمره مفرده به جا می آورد. و باید در سال بعد حج تمتع را اعاده نماید.

3- کسی که از روی فراموشی طواف را ترك کند، حجّ او درست است، و هر وقت به خاطرش آمد طواف را به جا می آورد، و اگر به وطن خود بازگشته، یا از مکه بیرون رفته، و مراجعت برای او زحمت دارد نائب بگیرد تا طواف او را به جا آورد، و در این مدت چیزی بر او حرام نیست، و احتیاط آن است که یگ گوسفند قربانی به مکه بفرستد و اگر فرستادن قربانی به مکه ممکن نیست در شهر خود قربانی کند.

4- اگر «طواف نساء» را ترك کند خواه از روی عمد باشد یا جهالت یا فراموشی، همسر او بر او حرام می شود، تا بازگردد و طواف نساء را به جا آورد، و اگر ممکن نیست یا مشکل است نائب بگیرد، و اگر از دنیا برود «ولی» او قضای آن را به جا می آورد.

شك در طواف

مسأله 124- اگر بعد از فراغت از طواف در عدد دورهای طواف شك کند، به شك خود اعتنا نکند و طواف او صحیح است.

مسأله 125- اگر شك کند در اینکه هفت دور به جا آورده یا هشت دور یا بیشتر، به شك خود اعتنا نکند، و طوافش صحیح است. همچنین اگر در وسط دور، شك کند که دور هفتم است یا بیشتر، آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

مسأله 126- هرگاه در طواف واجب، طرف شك او کمتر از هفت دور باشد (مثل شك میان شش و هفت، یا پنج و شش و مانند آن)، باید آن طواف را رها کرده، و دو باره طواف را از سر بگیرد. اما در طواف مستحب، بنا بر کمتر می گذارد و کامل می کند و طوافش صحیح است.

مسأله 127- شخص کثیرالشك (یعنی کسی که زیاد در طواف شك می کند) اعتنا به شك خود نکند، و آن طرفی را که مناسبتر برای او است بگیرد، مثلاً اگر شك میان شش و هفت کند بنا بر شش می گذارد، و اگر شك میان هفت و هشت کند، بنا بر هفت می گذارد.

مسأله 128- سخن گفتن در حال طواف و نوشیدن آب و خندیدن و خوردن چیزی، طواف را باطل نمی کند، ولی شایسته است در حال طواف (خواه

طواف واجب باشد یا مستحب) سخنی جز ذکر خدا و دعا نداشته باشد، و با حضور قلب این عبادت بزرگ را انجام دهد و از هر کاری که حضور قلب را کم می نماید پرهیز کند.

3- نماز طواف

مسئله 129- واجب است بعد از طواف واجب دو رکعت نماز به نیت نماز طواف در پشت یا حوالی مقام ابراهیم (ع) به جا آورد.

مسئله 130- محلّ نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم است، ولی لازم نیست به مقام چسبیده باشد، و اگر ازدحام جمعیت زیاد باشد می تواند در یکی از دو طرف مقام ابراهیم، یا عقب تر از مقام بخواند، به نحوی که بدون ایجاد مزاحمت برای طواف کنندگان و با حفظ تمایز نماز خود را بجا آورد، و همینکه مقام بین او و کعبه فاصله باشد، کافی است.

مسئله 131- نماز طواف، اذان و اقامه ندارد، و در چیزهای دیگر مانند نماز صبح است، و باید به صورت فردی (بدون جماعت) خوانده شود.

مسئله 132- اگر کسی سهواً یا از روی ندانستن مسأله، نماز طواف واجب را ترك کند اگر ممکن است برگردد و نماز را پشت مقام ابراهیم به جا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد هر جا که هست نماز را به جا آورد، حتی اگر در وطن خود باشد، و اگر از دنیا پرود و نماز طواف واجب را به جا نیاورده باشد، ولی او یا فردی دیگر فضای آن را به جا آورد.

مسئله 133- اگر نماز طواف را فراموش کند و مشغول سعی میان صفا و مروه شود، و در حال سعی یادش بیاید، در همان جا سعی را رها می کند و برمی گردد، و نماز طواف را به جا می آورد، سپس سعی را از همان جا که رها کرده، ادامه می دهد.

مسئله 134- «طواف» و «نماز طواف واجب» را در هر ساعتی از شب و روز می توان به جا آورد.

مسئله 135- همه نمازها، از جمله نماز طواف را باید با قرائت صحیح انجام داد و حجاج بیت الله باید از فرصت استفاده کنند و به هنگام اراده این سفر بزرگ روحانی قرائت نماز خود را دقیقاً در نزد کسی که عالم به مسأله است بخوانند و اگر ایرادی دارد برطرف نمایند تا حج آنها از هر نظر خالی از اشکال باشد.

مسئله 136- برای صحیح بودن قرائت، مراعات همه دقتهای علم تجوید شرط نیست، همین اندازه که در عرف عرب بگویند کلمات را صحیح ادا می کند کافی است.

4- سعی صفا و مروه

مسئله 137- سعی صفا و مروه از واجبات «عمره تمتع» و «حج» است، و منظور از آن رفت و آمد میان آن دو کوه کوچک است، و از «صفا» شروع می کند و به سوی «مروه» می رود، و از «مروه» به «صفا» باز می گردد، تا هفت مرتبه تمام شود. بنا بر این، شروع سعی از صفا و پایان آن به مروه می باشد. (رفتن از یکی به دیگری يك مرتبه حساب می شود، و برگشتن از آن هم یک مرتبه).

مسئله 138- اگر عمداً سعی صفا و مروه را ترك کند ، حج او باطل می شود، و باید سال آینده دوباره حج را به جا آورد.

مسئله 139- اگر از روی فراموشی سعی را ترك کند باید هر وقت یادش آمد برگردد و آن را به جا آورد، و اگر برگشتن برای او مشقت دارد، نائب می گیرد تا برای او به جا آورد، و در این مدت چیزی بر او حرام نیست.

مسئله 140- اگر عمداً زیادتر از هفت مرتبه سعی را به قصد سعی واجب به جا آورد سعی او باطل است، و اگر سهواً يك دور یا بیشتر اضافه کند و بعد به خاطرش بیاید، سعی او صحیح است.

مسئله 141- اگر از روی سهو و فراموشی کمتر از هفت مرتبه سعی را به جا آورد، خواه قبل از اتمام چهار دور باشد یا بعد از آن، هر وقت به خاطرش آمد بقیه را به جا می آورد تا هفت مرتبه کامل شود، و سعی او صحیح است، و اگر از مکه خارج شده، یا به وطن بازگشته، و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد، نائب می گیرد تا از طرف او انجام دهد، و کفاره ای هم ندارد.

مسئله 142- اگر به گمان این که سعی خود را کامل کرده، تقصیر کند (موی سر را کوتاه کند و ناخن بگیرد) و بعد از آن با همسر خود نزدیکی نماید، باید سعی خود را کامل کند و يك گاو قربانی کند.

مسئله 143- اگر در هنگام سعی ، وقت نماز فرا رسد، سعی را در هرکجا هست قطع می کند، و نماز را به جا آورده، سپس باقیمانده سعی را از همانجا انجام می دهد.

واجبات سعی

مسئله 144- واجبات سعی عبارتند از :

اول: نیت - واجب است «سعی» را با «قصد قربت» و برای رضای خدا انجام دهد، و همین اندازه که اجمالاً بداند برای حج یا عمره سعی می نماید کافی است، و گفتن به زبان لازم نیست.

دوم: شروع کردن سعی از «صفا» .

سوم: ختم کردن به «مروه» .

چهارم: باید سعی صفا و مروه هفت مرتبه تمام باشد، نه کمتر و نه بیشتر .

پنجم: سعی میان صفا و مروه باید از طریق معمول باشد، بنابراین اگر قسمتی از سعی را از داخل مسجد الحرام، یا فضای بیرون انجام دهد، درست نیست، همچنین سعی از طبقه بالا که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد در حالت عادی خالی از اشکال نیست، ولی در صورت که ضرورت شدیدی باشد و نتواند سعی را در طبقه پائین به جا آورد، سعی در طبقه بالا جایز است.

ششم: واجب است هنگام رفتن به مروه، رو به مروه باشد، و هنگام برگشتن به صفا، رو به صفا باشد، ولی اگر صورت خود را به راست و چپ برگرداند، یا مثلاً برای ملاحظه همراهان گاهی به عقب سر نگاه کند، اشکال ندارد.

هفتم: مردان در حال سعی باید ستر عورت کنند و زنان باید پوشش شرعی را مراعات نمایند.

مسئله 145- واجب نیست سعی را بلافاصله بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، بلکه می تواند برای رفع خستگی یا حاجت دیگر، آن را تا آخر همان روز به تأخیر اندازد.

مسئله 146- برای مردان مستحب است به هنگام رفتن از صفا به مروه یا هنگام بازگشت وقتی به محل علامتگذاری شده می رسند «هروله» کنند (هروله یعنی حرکت نسبتاً سریع که میان راه رفتن عادی و دویدن

محسوب می شود) ولی اگر موجب ناراحتی آنان یا دیگران است، آن را ترك کنند. هروله کردن برای زنان مستحب نیست.

مسأله 147- سخن گفتن ، نوشیدن آب یا خوردن غذا در حال سعی جایز است، ولی بهتر آن است که در این حال مشغول به دعا و ذکر خدا باشد.

مسأله 148- استراحت در اثناء سعی صفا و مروه برای رفع خستگی یا غیر آن اشکالی ندارد، خواه در صفا باشد یا در مروه یا میان آن دو.

مسأله 149- اگر بعد از اتمام سعی و انجام تقصیر شك کند آیا هفت مرتبه سعی را كاملاً به جا آورده یا نه، اعتنا نکند، ولی اگر قبل از تقصیر شك کند که ناقص به جا آورده یا کامل، باید سعی را از اول اعاده کند.

مسأله 150- اگر یقین داشته باشد که سعی را ناقص به جا آورده، مثلاً شش مرتبه یا کمتر از آن بوده، باید برگردد و آنچه را می داند ناقص گذاشته تکمیل می کند، و سعی او صحیح است.

مستحب است در وقت سعی، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنِبْتَهُ قَطُّ، فَإِنْ عَدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تَعَذَّبَنِي فَأَنْتَ عَنِّي عَنْ عَذَابِي، وَ أَنَا مُجْتَاحٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَأْمَنُ أَنَا مُجْتَاحٌ إِلَى رَحْمَتِهِ إِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعَذَّبَنِي وَ لَمْ تَطْلُمْنِي، أَصَبَحْتَ اتَّقِي عَذْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَأْمَنُ هُوَ عَذْلٌ لَا يَجُورُ إِرْحَمْنِي»

5- تقصیر

مسأله 151- پنجمین واجب عمره، تقصیر است، یعنی کوتاه کردن مقداری از موی سر یا صورت و گرفتن مقداری از ناخن، و کافی است تنها کمی از موی سر یا صورت را بچیند، واز کوتاه کردن ناخن صرفنظر نماید، ولی نباید به کوتاه کردن ناخن به تنهایی اکتفاء کند.

مسأله 152- تقصیر باید با قصد قربت و برای خدا انجام شود.

مسئله 153- برای تقصیر عمره تمتع محلّ معینی شرط نیست، بلکه می تواند در همان محلّ «مروه» پس از اتمام سعی، تقصیر کند، و یا بعد از مراجعت به منزل تقصیر نماید، و نیز تفاوت نمی کند که خودش کوتاه کند یا به دیگری بگوید کمی از موی او را کوتاه نماید.

مسئله 154- تراشیدن سر به جای کوتاه کردن مو در تقصیر «عمره تمتع» جایز نیست، و اگر عمداً این کار را انجام دهد و در ماه ذی القعدة به بعد باشد باید گوسفندی قربانی کند، اما اگر عمداً این کار را نکرده کفاره ندارد.

مسئله 155- بعد از تقصیر «عمره تمتع» از احرام بیرون می آید، و آنچه بر محرم به خاطر احرام، حرام شده بود بر او حلال می شود، ولی صید کردن همچنان بر او حرام است؛ به خاطر این که صید حرم برای همه حرام می باشد.

مسئله 156- اگر تقصیر را فراموش کند و به سراغ اعمال حج برود (یعنی احرام ببندد و به عرفات برود) عمره و حج او صحیح است و فقط استغفار کند، و چیزی بر او نیست.

مسئله 157- اگر عمداً تقصیر را ترك کند و اعمال حج را آغاز کند، عمره او باطل است، و حج او مبدل به حج افراد می شود، و باید بقیه اعمال حج را تمام کند، و بنا بر احتیاط واجب بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد و یک گوسفند کفاره بدهد، و حج او صحیح است.

مسئله 158- در عمره تمتع، طواف نساء واجب نیست.

حجّ تمتع

مسئله 159- پس از انجام عمره تمتع باید حجّ تمتع را به جا آورد و اعمال آن به شرح زیر است:

1- احرام بستن از مکه.

2- وقوف یعنی ماندن در «عرفات» از هنگام ظهر شرعی روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب همان روز.

3- وقوف در مشعرالحرام؛ یعنی ماندن از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب.

- 4- رفتن به مینى و رمى جمره عقبه (یعنى زدن هفت سنگریزه به ستونى که در آخر مینى قرار دارد و نامش «جمره عقبه» یا «جمره اولى» است.
- 5- قربانى کردن در منى در روز عید (دهم ذى الحجه).
- 6- تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن آن.
- 7- طواف خانه کعبه (این طواف را طواف زیارت مى گویند).
- 8- به جا آوردن دو رکعت نماز طواف.
- 9- سعى میان صفا و مروه.
- 10- طواف دیگری که آن را «طواف نساء» مى نامند.
- 11- دو رکعت نماز طواف نساء.
- 12- اقامت شب یازدهم و شب دوازدهم در مینى.
- 13- رمى جمرات سه گانه یعنى انداختن هفت سنگریزه به هر کدام از سه ستونى که در مینى قرار دارد در روزهاى یازدهم و دوازدهم.

1- احرام بستن از مکه

مسأله 160- نخستین عمل حجّ تمتّع پس از عمره تمتّع، احرام است که میقات آن شهر «مکه» مى باشد، و از هر جای مکه باشد خواه مسجدالحرام، یا مساجد دیگر مکه، یا کوچه ها و خیابانها، و یا خانه و منزل و هتل، صحیح است، و فرقى میان مکه قدیم و جدید نیست، حتّى محلاتى از مکه امروز که به طرف منى و عرفات گسترش یافته از همه این مناطق مى توان احرام حج بست، مگر مناطقى که از محدوده حرم بیرون است، مانند نقاطى از شهر مکه که از «مسجد تنعیم» دورتر است.

مسأله 161- بهتر است در روز هشتم ذى الحجه به نیت حجّ تمتّع احرام ببندد تا پس از آن به سوى عرفات حرکت کند، ولى افراد مسن و یا بیمار

که از ازدحام جمعیت بیمناکند، از سه روز قبل از آن نیز می‌توانند احرام ببندند و به سوی مینى حرکت کنند تا از آنجا به عرفات بروند، لکن بیش از این نباید حرکت خود را جلو بیندازند.

مسأله 162- آخرین وقت احرام حج موقعی است که تأخیر از آن سبب شود که به وقوف عرفات که از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب همان روز می‌باشد، نرسد. بنابراین، می‌تواند در صبح روز نهم ذی الحجه محرم شود و خود را به عرفات برساند (در صورتی که امکان رسیدن در آن زمان وجود داشته باشد).

2- وقوف در عرفات

مسأله 163- دومین واجب از واجبات حج، وقوف (یعنی توقف کردن و ماندن) در عرفات است. «عرفات» بیابانی است در بیرون شهر مکه که باید حجاج از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب همان روز در آنجا بمانند؛ خواه در حال حرکت باشند یا نشسته، در حال بیداری باشند و یا مقداری خواب و مقداری بیداری، ولی مستحب است در این مدت مشغول به دعا و نیایش و ذکر خدا باشند.

مسأله 164- وقوف در عرفات عبادت است و باید با نیت و قصد قربت همراه باشد، و نیت آن این است که وقوف در عرفات را به قصد قربت در ذهن خود بگذرانند، یا اگر بخواهد می‌تواند آن را اینگونه بگوید: " وقوف در عرفات را برای حج خود به قصد قربت و برای خدا به جا می‌آورم ".

مسأله 165- اگر از روی ندانستن مسأله یا فراموشی قبل از غروب آفتاب از عرفات کوچ کند، چیزی بر او نیست و حج او صحیح است، ولی اگر عمداً و با وجود علم به مسأله باشد، باید يك شتر در مینى قربانی کند، و اگر نتواند شتر قربانی کند باید هیجده روز، روزه بگیرد؛ و در هر صورت حجتش صحیح است.

مستحب است در روز عرفه دعاهای مأثوره را بخواند و صدقه دهد و از جمله، این دعا را قرائت نماید:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ أَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْبِي، وَ لَا تَخْذَعْبِي، وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ وَ مَنِّكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَ يَا أَبْصَرَ

النَّاطِرِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا) وَ حَاجَتِ خُودِ رَا يَا مَبِيرِدْ، سَبِيسِ دَسْتِ بِهٖ أَسِيمَانِ بَرْدَارِدْ وَ بَكْوِيدْ: «اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ مَلِكُ نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ، وَ أَحَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِفَنِي لِمَا بَرَضِيكَ عِنْدِي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي، الَّتِي أَرَبْتَهَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَ دَلَّلْتَ عَلَيَّهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَ أَطَلَّتْ عَمْرُهُ، وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.»

و این دعا را نیز بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْإِحْمَدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَكَ الْإِحْمَدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا تَقُولُ، وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نَسْكَي وَ مَحْبَابِي وَ مَمَانِي وَ لَكَ تَرَانِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ، وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا يَجِيءُ الرِّيَاحَ، وَ أَسْتَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي نُورًا، وَ فِي لِحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَفْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا، وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا، يَا رَبِّ يَوْمِ الْقِيَامِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

3- وقوف در مشعر الحرام

مسأله 166- مشعر الحرام، که نام دیگرش «مُزْدَلَفَه» می باشد، محلی است میان مینى و عرفات ؛ و واجب است بر کسانی که حج به جا می آورند بعد از وقوف در عرفات، به آنجا کوچ کنند و از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب همان روز با قصد قربت در مشعر الحرام توقف کنند.

مسأله 167- اگر پس از توقف در مشعر، بدون عذر شرعی قبل از طلوع فجر از مشعر کوچ کند و به مینى برود اگر جاهل باشد چیزی بر او نیست و اگر از روی عمد باشد باید يك گوسفند کفاره بدهد، ولی حج او صحیح است. اما اگر از روی علم و عمد و بدون عذر، وقوف در مشعر را بطور کلی ترك کند، حج او باطل می شود.

مسأله 168- برای افراد زیر، جایز است مقداری از شب را در مشعر توقّف کنند و پیش از طلوع فجر به مینی بروند.

1- زنان. 2- بیماران. 3- پیرمردان. 4- افراد معذور که رفتن آنها به مینی قبل از طلوع فجر ضروری است.

مستحب است به هنگام وقوف در مشعر، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادِّرْ عَنِّي شَرَّ قِسْمَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرَ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرَ مَسْتَوَلٍ وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تَقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقِيلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تَجَاوِزَ عَن حَاطَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّغْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

احکام وقوف در عرفات و مشعر

مسأله 169- هر يك از وقوف در «عرفات» و «مشعر» دارای دو قسم است:

1- وقوف اختیاری 2- وقوف اضطراری.

«وقوف اختیاری عرفات» از ظهر روز نهم ذی الحجة تا غروب آفتاب همان روز است.

«وقوف اضطراری عرفات» مقداری - هرچند کم - از شب عید است.

«وقوف اختیاری مشعر» از طلوع صبح روز عید تا طلوع آفتاب همان روز است.

«وقوف اضطراری مشعر» از طلوع آفتاب تا ظهر روز عید است.

البته «مشعر» وقوف اضطراری دیگری نیز دارد که مربوط به زنان و افراد ضعیف و بیمار است و آن، مقداری از شب عید می باشد که در آنجا توقّف کوتاهی می کنند سپس از آنجا به مینی کوچ می کنند.

اینک تفصیل احکام وقوف در عرفات و مینى را ذکر می کنیم:

1- کسی که وقوف در عرفات و مشعر را در وقت اختیاری انجام دهد، مسلماً حج او صحیح است.

2- کسی که هیچک از وقوفهای اختیاری و اضطراری که در بالا گفته شد نه در مشعر و نه در عرفات درک نکند، چنین کسی حج او باطل است و باید نیت «عمره مفرده» کند، یعنی با همان احرامی که دارد طواف و نماز و سعی به جا آورد و تقصیر کند و بنا بر احتیاط، طواف نساء و نماز آن را نیز به جا آورد و از احرام بیرون آید و در سال آینده حج تمتع را اعاده کند.

3- کسی که «وقوف اضطراری عرفه» را با «وقوف اختیاری مشعر» به جا آورد، حجش صحیح است.

4- کسی که «وقوف اختیاری عرفه» را با «اضطراری مشعر» درک کند (یعنی بعد از ظهر عرفه تا غروب در عرفات بوده، ولی به خاطر عذری یا از روی عدم علم به مسأله، بعد از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر نمانده است، اما مقداری قبل از ظهر را در مشعر مانده است، چنین کسی نیز حجش صحیح است.

5- کسی که فقط «وقوف اختیاری عرفه» را درک کرده، اما به خاطر عذری یا عدم علم به مسأله، نتوانسته است در مشعر حتی قبل از ظهر روز عید مقداری وقوف کند، چنین کسی نیز حجش صحیح است.

6- کسی که تنها «وقوف اختیاری مشعر» را درک کرده، یعنی به عرفات نرسیده، اما در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب توقف نموده، حج او نیز صحیح است.

7- کسی که «وقوف اضطراری عرفات» را در شب عید و «وقوف اضطراری مشعر» را در پیش از ظهر عید درک نموده، حج او نیز صحیح می باشد.

8- کسی که فقط «وقوف اضطراری مشعر» را درک کرده، حج او فوت شده و باید نیت عمره مفرده کند و بعد از انجام اعمال عمره مفرده از احرام بیرون آید، و باید حج تمتع را در سال آینده اعاده کند.

9- کسی که تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کند حج او نیز فوت شده و باید مطابق صورت قبل عمل کند.

10- کسی که هیچیک از وقوفهای اضطراری و اختیاری را در عرفات و مشعر درك نکند، حج او باطل است و باید طبق مسأله قبل عمل نماید.

4- رمی جمره عقبه

مسأله 170- چهارمین واجب از واجبات حج، رمی «جمره عقبه» در روز عید قربان است، منظور از آن، انداختن هفت عدد سنگ کوچک به ستونی است که در آخر مینی در طرف مکه واقع شده، و آن را «جمره عقبه» می نامند.

مسأله 171- در رمی «جمره» چند چیز واجب است:

1- نیت و قصد قربت و کافی است که در دل قصد داشته باشد که برای اطاعت فرمان خدا و انجام مناسک حج هفت سنگ کوچک به جمره می زند.

2- تعداد سنگریزه ها باید هفت عدد باشد و هر کدام تقریباً به اندازه يك بند انگشت باشد.

3- سنگریزه ها را یکی بعد از دیگری بزند و اگر دو عدد یا بیشتر را با هم بزند کافی نیست، و یکی حساب می شود.

4- باید سنگها به جمره اصابت کند، حتی اگر شك داشته باشد کافی نیست و هر کدام را شك کند باید از نو بزند.

5- باید سنگریزه ها را پرتاب کند نه این که روی جمره بگذارد.

6- وقت زدن سنگها مابین طلوع آفتاب روز عید قربان و غروب آفتاب همان روز می باشد، ولی «زنان» و «پیرمردان» و دیگر افراد معذور یا کسانی که از ازدحام روز عید بیمناک هستند، می توانند در شب عید رمی جمره کنند.

7- سنگریزه ها سه شرط دارد:

«اول» این که سنگ باشد نه کلوخ و گل یا چیز دیگر.

«دوم» آن که آنها را از «حرم» جمع کند (شامل شهر مکه، مشعر الحرام و مینى) ولى بهتر آن است که همان شب عيد که در مشعر الحرام است ريگها را از آنجا جمع آوری کند.

«سوم» این که سنگريزه ها «بکر» باشد، يعنى قبلاً خودش یا ديگری از آنها برای رمى جمرات استفاده نکرده باشد.

بنابراین از سنگهائی که دور جمره افتاده و از آن استفاده کرده اند نمى توان استفاده کرد. ولى اگر در غير آنجا سنگهائی ببیند و شك کند آیا از آن استفاده شده یا نه؟ مى تواند از آنها در رمى استفاده کند.

باید توجه داشت تعداد سنگريزه های مورد نیاز او برای سه روز 49 عدد مى باشد (و اگر ناچار باشد روز سیزدهم را بماند 70 عدد سنگ لازم است)، ولى چون ممکن است بعضى از آنها به جمره نخورد سزاوار است تعداد بیشتری جمع آوری کند و با خود به مینى ببرد.

مسأله 172- رمى جمره را مى توان پیاده یا سواره انجام داد، و با دست راست یا چپ تفاوت نمى کند، در پرتاب کردن آن نیز طرز خاصی واجب نیست، وضو داشتن نیز شرط آن نمى باشد.

مسأله 173- رمى کردن در شب جایز نیست، مگر برای زنان و بیماران و کسانی که از ازدحام در روز مى ترسند، یا کسانی که روزها گرفتار کار حجاج هستند و توانائى رمى در روز را ندارند (فرق نمى کند که در شب قبل رمى کنند یا شب بعد از آن).

مسأله 174- جمره عقبه و سایر جمرات را از هر طرف که بخواهد مى تواند رمى کند.

مسأله 175- هرگاه در عدد سنگهائی که زده است شك کند بنا را بر کمتر مى گذارد.

مسأله 176- اگر کسی از روی فراموشى یا ندانستن مسأله، رمى جمره را ترك کند لازم است، تا روز سیزدهم هر وقت یادش آمد یا متوجه مسأله شد قضا کند.

مسأله 177- اگر بعد از بازگشت از منى به مکه متوجه شد که رمى جمره را به جا نیاورده باید به منى بازگردد و آن را به جا آورد، ولى اگر روز

سیزدهم بگذرد باید آن را در سال آینده خودش در همان ایام قضا کند، و اگر نمی تواند کسی را نایب بگیرد که برای او قضا کند.

مسأله 178- اگر کسی عمداً رمی جمره را ترك کند، مرتکب معصیت شده است، ولی حج او باطل نمی شود و باید در سال بعد خودش رمی جمره را قضا کند یا اگر نمی تواند، شخصی را نایب بگیرد تا از طرف او قضا کند.

مسأله 179- در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجة، باید هر سه جمره را رمی کند، یعنی اول «جمره اولی» بعد «جمره وسطی» و سپس «جمره عقبه» را که آخرین جمره است سنگ بزند.

مسأله 180- کسانی که به واسطه عذر نمی توانند در روز رمی کنند و در شب هم از انجام آن عاجز باشند، یا خوف خطر و ضرری باشد، باید کسی را نایب کنند که در روز به جای آنها سنگها را بزند.

مسأله 181- رمی جمرات در طبقه دوم آن نیز صحیح است.

مستحب است به هنگام رمی جمره، این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَي سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَ عَمَلًا مَقْبُولًا، وَ سَعْيًا مَشْكُورًا، وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا.»

5- قربانی

مسأله 182- دومین واجب منی، قربانی است و از همه بهتر شتر و متوسط آن گاو و کمترین آن گوسفند است و قربانی تنها بر کسانی واجب است که حج تمتع به جا می آورند.

مسأله 183- بهتر است قربانی را در روز عید قربان ذبح کنند، ولی می توانند تا روز سیزدهم ذی الحجة نیز آن را انجام دهند.

مسأله 184- حیوان قربانی باید شرایط زیر را داشته باشد:

1- از نظر سن، شتر قربانی حداقل 5 سال تمام، و گاو بیش از یک سال و گوسفند يك سال و بز بیش از یکسال داشته باشد، یعنی حد اقل در سال دوم باشد.

2- حیوان قربانی معیوب نباشد ولی هرگاه گوش حیوان را برای نشانه و علامت مقداری چاك داده یا سوراخ کرده، یا کمی از آن بریده باشند ضرری ندارد.

3- آن حیوان لاغر نباشد، و همین اندازه که بر کلیه های آن مقداری چربی وجود داشته باشد کفایت می کند.

مسأله 185- چنانچه نوعی از حیوان در اصل خلقت بی شاخ یا بی دم یا بدون گوش باشد ضرری برای قربانی ندارد.

مسأله 186- حیوان خصی و اخته شده یعنی حیوانی که تخم آن را کشیده باشند برای قربانی جایز نیست.

مسأله 187- هرگاه حیوانی را به گمان اینکه چاق است خریداری کرد و بعد از ذبح کردن یا بعد از خریدن و پرداخت وجه و قبل از ذبح معلوم شد لاغر است، برای قربانی کافی است. همچنین اگر به گمان این که لاغر است خریداری کرد و بعد معلوم شد چاق است کفایت می کند، خواه قبل از ذبح باشد یا بعد از ذبح.

مسأله 188- مستحب است قسمتی از قربانی را برای خود بردارد و يك قسمت را در راه خدا صدقه بدهد و يك قسمت را به دوستان و مؤمنان هدیه کند. ولی دادن بخشی از آن به فقرا واجب است، اما خوردن بخشی از آن واجب نمی باشد.

مسأله 189- هرگاه تا موقع بازگشت از مراسم حج دسترسی به قربانی پیدا نکند، ولی پول قربانی را داشته باشد، باید آن را نزد شخص مطمئنی بگذارد که تا پایان ذی الحجه گوسفندی خریداری کرده و برای او قربانی کند اگر ممکن است در مینى و اگر ممکن نیست در خود مکه، و چنانچه تا پایان ذی الحجه ممکن نشود باید در ذی الحجه سال آینده قربانی کند و اگر شخص مطمئنی در آنجا نیابد می تواند در سال آینده به شخصی نیابت بدهد تا از طرف او خریداری و قربانی کند.

مسأله 190- قربانی کردن در قربانگاههای موجود جایز است.

مسأله 191- مسلمانان باید تلاش کنند تا از گوشت‌های قربانی استفاده شود و به دست مستحقان برسد و اگر مستحقینی در مینی یافت نشوند به سایر کشورها ارسال شود و به دست مستمندان برسد.

مسأله 192- استفاده از وسایل ماشینی برای ذبح حیوانات مانعی ندارد، ولی شرایط شرعی ذبح، مانند رو به قبله بودن و بسم الله گفتن و غیر آن باید رعایت شود.

مسأله 193- قربانی را شیخ حاجی می تواند ذبح کند یا به دیگری نیابت دهد و در هر صورت نیت را خود حاجی می کند و لازم نیست نائب دقیقاً شناخته شده باشد، بلکه شناخت او اجمالاً کافی است. و نیز لازم نیست ذبح کننده شیعه باشد، بلکه تمام کسانی که ذبیحه آنها پاک و حلال است می توانند ذبح کنند.

مستحب است به هنگام قربانی کردن، این دعا را بخواند:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنَسِيكَ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

6- تفصیر

مسأله 194- بنا بر احتیاط واجب، شخص حاجی اگر مرد باشد و دفعه اول حج اوست، باید بعد از انجام قربانی، سر خود را بتراشد، ولی اگر قبلاً حج به جا آورده است، باید مقداری از موی سر خود را کوتاه کند و اگر سر خود را بتراشد بهتر است. حاجی با این عمل از احرام بیرون می آید، یعنی پوشیدن لباس دوخته و سایر محرّمات احرام بر او مباح می شود به استثنای بوی خوش و زن که باید اعمال بعدی را (چنان که خواهد آمد) انجام دهد تا بر او حلال می شود.

مسأله 195 - تراشیدن موی سر مخصوص مردان است و در مورد زنان تراشیدن موی سر جایز نیست و تنها کوتاه کردن مقداری از آن واجب است.

مسأله 196 - مستحب است علاوه بر کوتاه کردن موی سر، ناخنهای خود را نیز کوتاه کند، ولی نباید تنها به کوتاه کردن ناخن قناعت کند.

مسئله 197 - واجب است وظایف سه گانه مینی را در روز عید قربان، به ترتیب انجام دهد، یعنی اول: رمی جمره عقبه، دوم: قربانی، سوم: تراشیدن سر یا کوتاه کردن مقداری از موی آن و ناخن، و هرگاه از روی نادانی یا فراموشکاری بر خلاف این ترتیب انجام دهد، عمل او صحیح است؛ حتی اگر عمداً آن را رعایت نکند گناه کرده اما چیزی بر او نیست.

مسئله 198 - واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن مو قبل از طواف حج بوده باشد و اگر طواف را عمداً قبل از تقصیر انجام دهد باید طواف را بعد از تقصیر اعاده کند و يك گوسفند نیز کفاره بدهد. اما اگر طواف را از روی فراموشی یا عدم علم به مسئله مقدم داشته کفاره ندارد. ولی باید طواف را بعد از تقصیر اعاده کند.

مسئله 199 - واجب نیست حاجی خودش موی سر خود را بتراشد یا کوتاه کند، اگر دیگری هم سر او را بتراشد، کافی است خواه شیعه باشد یا سنی و در هر حال خودش باید نیت کند که مثلاً برای حجة الاسلام واجب تقصیر می کنم قریة الی الله.

مسئله 200 - واجب است تراشیدن یا کوتاه کردن مو در مینی باشد و کسی که در مینی تقصیر نکرد واجب است په مینی برگردد و این وظیفه را انجام دهد. و اگر نمی تواند برگردد یا مشقت شدید دارد در هر جا که هست انجام دهد.

واجبات پنجگانه مکه

مسئله 201 - پس از انجام اعمال سه گانه «مینی»، حاجی برای انجام باقی مانده اعمال حج به مکه باز می گردد و اعمال مکه را که پنج چیز است انجام دهد و آنها عبارتند از:

1- «طواف حج» که آن را «طواف زیارت» نیز می نامند.

2- «نماز طواف زیارت».

3- «سعی بین صفا و مروه».

4- «طواف نساء».

5- «نماز طواف نساء».

این پنج واجب را به همان کیفیت که در عمره تمتع بیان کردیم بدون هیچ تفاوت به جا می آورد، مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و نماز و سعی آن و نیت طواف نساء و نماز آن باشد.

مسئله 202- حاجی می تواند بعد از اعمال مینی بلافاصله در روز عید قربان به مکه برود و اعمال پنجگانه بالا را در همان روز انجام دهد ، ولی می تواند تا روز سیزدهم نیز به تاخیر بیندازد.

مسئله 203- اعمال مکه، یعنی طواف زیارت و نماز، و سعی، و طواف نساء، و نماز آن، را باید بعد از اعمال سه گانه مینی به جا آورد؛ ولی چند طایفه می توانند قبل از رفتن به عرفات آن اعمال را پیشاپیش به جا آورند:

1- زنهایی که بیم دارند که هنگام برگشتن از مینی گرفتار عادت ماهانه یا مسأله وضع حمل گردند و نتوانند بمانند تا پاك شوند و اعمال مذکور را انجام دهند.

2- بیمارانی که نتوانند در ازدحام جمعیت طواف و سعی را به جا آورند.

3- پیرمردان یا پیرزنانی که از انجام این اعمال هنگام بازگشت از مینی به خاطر زیادی جمعیت عاجز باشند.

4- کسانی که می دانند بعد از مراجعت قادر به انجام این اعمال نیستند و یا دچار مشقت فوق العاده می شوند.

در چنین حالتی اگر بیمار بعد از بازگشت از «مینی» بهبودی یابد، یا زن پاك باشد، و توانایی بر طواف و سعی پیدا کنند، بنا بر احتیاط واجب باید اعاده کنند.

مسئله 204 - طواف نساء بر مرد و زن و پیر و جوان و متأهل و مجرد واجب است، و بدون آن زن بر مرد و مرد بر زن حلال نمی شود.

مسئله 205 - در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست، ولی در حج تمتع و عمره مفرده طواف نساء واجب است.

مسأله 206- هرگاه زنی قبل از طواف حج و طواف نساء، گرفتار عادت ماهانه شود و پیش از پاك شدن ناچار به رفتن از مکه باشد، باید برای طواف حج و نماز آن نایب بگیرد، سپس خودش سعی را به جا آورد، و بعد برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد. اشخاص دیگری هم که به خاطر بیماری یا عذر دیگر قادر به انجام طواف و سعی نباشند باید نایب بگیرند.

مسأله 207- با انجام اعمال سه گانه منی و اعمال پنجگانه مکه آنچه در احرام برای حاجی به خاطر احرام، حرام شده بود حلال می شود.

مستحب است در مسجد الحرام از آب زمزم بنوشد و بعد از آن، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَعْمٍ».

بیتوته در منی

مسأله 208 - واجب است حاجی شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه را در منی بماند (و در بعضی از مواقع که در مسأله بعد بیان خواهد شد، شب سیزدهم نیز باید بماند) و اگر در این شبها در غیر منی باشد باید يك گوسفند كفاره بدهد.

مسأله 209 - اگر حاجی در روز دوازدهم از منی کوچ نکند تا آفتاب غروب کند و شب فرا رسد، باید شب سیزدهم نیز تا طلوع آفتاب در منی بماند.

مسأله 210 - اگر حاجی در شبهای یازدهم و دوازدهم تا نیمه شب در منی بماند و بقیه شب را در جای دیگر بماند، مانعی ندارد.

مسأله 211 - حاجی می تواند در روز عید قربان بعد از انجام اعمال سه گانه منی به مکه برود و اعمال پنجگانه مکه را انجام دهد و تا نیمه شب به منی بازگردد. همچنین می تواند در شب یازدهم بعد از نیمه شب برای انجام اعمال مکه به مکه برود و برای بیتوته در منی در شب دوازدهم به منی باز گردد.

مسأله 212- بیتوته در منی نیز نیت و قصد قربت می خواهد و کافی است در قلبش نیت کند که برای مثلا انجام حج تمتع از حجة الاسلام یا حج مستحب، شب را در منی می مانم.

مسأله 213- هرگاه کسی از روی اضطرار و ناچاری از بیتوته در مینی خودداری کند گناهی بر او نیست، کفاره هم ندارد و حج او صحیح است.

مسأله 214- پیرمردان و پیرزنان و بیماران و پرستاران آنها که مانند در مینی برای آنها مشقت شدید دارد، و نیز کسانی که در مکه در تمام شب مشغول انجام عبادت باشند و جز برای ضروریات خود، کار دیگری انجام ندهند، مجازند بیتوته در مینی را انجام ندهند.

مسأله 215 - بازگشت از مینی در روز دوازدهم باید بعد از اذان ظهر باشد، ولی کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند قبل از ظهر هم می توانند کوچ کنند.

رمی جمرات در روزهای 11 و 12

مسأله 216 - در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجه باید هر سه جمره را به ترتیبی که گفته شد رمی نمایند.

مسائل متفرقه حج

مسأله 217- کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن، واجب است به جای قربانی ده روز روزه بگیرد: سه روز پی در پی قبل از عید قربان (روزهای هفتم و هشتم و نهم ذی الحجه) و هفت روز پس از بازگشت به وطن، و اگر نتوانست روز هفتم را روزه بگیرد، هشتم و نهم را پشت سر هم روزه بگیرد و يك روز هم بعد از سیزدهم. به هر حال این سه روز باید در ماه ذی الحجه باشد ولی در روزهای تشریق (یعنی: یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) نباشد. مسافر بودن ضرری به آن روزه نمی زند. هفت روز بعد را می تواند در وطن خود در ماههای دیگر نیز به جا آورد، خواه پی در پی باشد یا نه.

مسأله 218- سوار ماشین سرپوشیده شدن در حال احرام در داخل شهر مکه مانعی ندارد (خواه در روز باشد یا در شب).

عمره مفرده

مسأله 219- عمره مفرده را در هر ماهی از سال می توان به جا آورد، ولی انجام آن در ماه رجب و رمضان بیشتر توصیه شده است.

مسأله 220- اعمال عمره مفرده عبارتند از:

1- احرام از میقات.

2- طواف خانه خدا (هفت دور).

3- نماز طواف.

4- سعی صفا و مروه.

5- تقصیر (کوتاه کردن مو و ناخن).

6- طواف نساء.

7- نماز طواف نساء.

روش انجام دادن احرام و طواف و سایر اعمال بالا همان گونه است که قبلاً در مورد عمره حج تمتع آمده است، با این تفاوت که باید در همه اینها نیت عمره مفرده بکنند.

مسأله 221- برای عمره مفرده از هر يك از میقاتهای معروف که قبلاً بیان شد، می توان احرام بست، و نیز جایز است از «ادنی الحلّ» یعنی اولین نقطه خارج از حرم مانند "تنعیم" محرم شود.

طواف وداع

مستحبّ است حاجی قبل از ترک مکه، طواف وداع را به جا آورد و از خداوند بزرگ، توفیق مراجعت بطلبد و صدقه ای بپردازد. روش انجام دادن طواف وداع مانند سایر طوافهایی است که بیان گردید، با این تفاوت که نیت طواف مستحبی وداع می کند.

مستحب است به هنگام طواف وداع، این دعاء را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَحْيِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنَّتِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَنَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مَفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبُرْكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَاقِبَةِ.»

زیارت پیامبر اسلام(ص)

مستحب است قبل یا بعد از ایام مناسک حج، حرم مطهر رسول اکرم (ص) و حضرت زهراء (س) و ائمه بقیع(علیهم السلام) را در مدینه منوره زیارت کند. شایسته است به هنگام زیارت حضرت رسول (ص) این زیارت را بخواند:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأَمْنِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَنَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.»

زیارت حضرت فاطمه (س)

مستحب است به هنگام زیارت بقیع و حرم شریف نبوی، این زیارت حضرت فاطمه زهراء (س) را بخواند:

«يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّ لَكَ أَوْلِيَاءَ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَنَا بِهٖ أَبُوكَ وَأَنَا بِهٖ وَصِيَّهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّينَا يَتَّصِفَانَا لِهَمَّا لِنَبْشُرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.»

زیارت ائمه بقیع (ع)

مستحب است که زائر به قصد زیارت حرم امامان معصوم (علیهم السلام) در "بقیع" (یعنی امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق) به "بقیع" برود و قبل از ورود به محوطه بقیع، این زیارت را بخواند:

«يا مَوَالِيَّ يا اَبْناءَ رَسولِ اللّٰهِ، عَبدِكُمْ و اَبْنُ اَمَتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَينَ اَبْدِيكُمْ، و المَضَعُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، و المَعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جِاءَكُمْ مَسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصِداً اِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا اِلَى مَقامِكُمْ، مُنَوِّسِلًا اِلَى اللّٰهِ تَعالٰى بِكُمْ، ءادِخُلْ يا مَوَالِيَّ، ءادِخُلْ يا اَوْلِياءَ اللّٰهِ، ءادِخُلْ يا مَلَائِكَةَ اللّٰهِ المُحَدِّقِينَ بِهَذَا الحَرَمِ، المُقِيمِينَ بِهَذَا المَشْهَدِ.»

سپس با خشوع و خضوع وارد شود و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَ الحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا، وَ الحَمْدُ لِلّٰهِ العَرْدِ الصَّمَدِ، المَاجِدِ الأَحَدِ، المَتَعَصِّلِ المَنانِ، المَتَطَوِّلِ الجَنانِ، الَّذِي مَن يَطولُهُ، وَ سَهَّلَ زيارَةَ ساداتي يا حسانِهِ، وَ لَم يَجْعَلْني عَن زيارَتِهِم مَمْنوعًا، بَل تَطولُ وَ مَنح.»

آنگاه این زیارت را نیز قرائت نماید:

«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أُمَّةَ الهُدٰى، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ التَّقْوٰى، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الحَجَجِ عَلٰى أَهْلِ الدُّنیا، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ القَوامِ فِي البَرِّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَل رَسولِ اللّٰهِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ النِّجْوٰى، أَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذاتِ اللّٰهِ وَ كَذَبْتُمْ وَ اَسٰىءَ اِلَیْكُمْ فَعَفَرْتُمْ، وَ أَشْهَدُ اَنَّكُمْ الاِئِمَّةَ الرّاشِدُونَ المَهْتَدُونَ، وَ اَنَّ طاعَتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ، وَ اَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقَ، وَ اَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تَجابُوا، وَ اَمَرْتُمْ فَلَمْ تَطاعُوا، وَ اَنَّكُمْ دَعائِمِ الدِّينِ وَ اَرْكانِ الارضِ، لَمْ تَزالُوا بِعِینِ اللّٰهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ اَصْلابِ كُلِّ مَطْهَرٍ، وَ يَغْلِقُكُمْ مِنْ اَرْحامِ المَطْهَراتِ، لَمْ تَدْتَسِكُمْ اِلِجْاهِلِيَّةَ الجَهْلَاءِ، وَ لَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنِ الاَهْواءِ، طَبِمْ وَ طابَ مَنبَتِكُمْ، مِنْ بَیْكُمْ عَلَیْنا دِیانِ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بَیوتِ اَذْنِ اللّٰهِ اَنَّ تَرْوَعُ وَ یَذْکُرُ فِيها اِسْمَهُ، وَ جَعَلَ صَلاتِنا عَلَیْكُمْ رَحْمَةً لَنا وَ كَفارَةً لِذُنُوبِنا، اِذْ اَخْتارَكُمْ اللّٰهُ لَنا، وَ طَبِيبَ خَلْقِنا بِما مِنْ عَلَیْنا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَ كُنّا عِنْدَهُ مَسْمُومِينَ بِعِلْمِكُمْ، مَعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنا اِياكُمْ، وَ هَذَا مَقامُ مَنْ اَسْرَفَ وَ اَخْطَا وَ اسْتَكبانَ وَ اَفْرَ ما جَنى، وَ رَجى بِمَقامِهِ الخِلاصِ، وَ اَنَّ يَسْتَعِذَّ بِكُمْ مَسْتَعِذُّ الهَلْکٰى مِنَ الرِّدى، فَكُونُوا لِي سَفْعاءَ، فَعَدَّ وَ قَدَّتْ اِلَیْكُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنیا، وَ اتَّخَذُوا اَباتِ اللّٰهِ هَرِوا، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنها. يا مَنْ هُوَ قائِمٌ لا يَسْهُو، وَ دائِمٌ لا يَلْهُو،

وَ مَجِيطٌ يَكُلُّ شَيْءًا، لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَمَّتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَحْفُوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا، مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرَمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ، بِحَرَمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

زیارت دیگر بزرگان

شایسته است زائر، قبور فاطمه بنت اسد و ابراهیم فرزند رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و سایر بزرگان بقیع را زیارت کند و بر آنها درود و صلوات فرستد و فاتحه بخواند.

همچنین، سزاوار است مساجد هفتگانه و مسجد قبا و قبور شهدای احد را زیارت کند و به هنگام زیارت قبر حضرت حمزه، عموی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در احد این زیارت را بخواند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشَّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ جَدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سَيِّحَاتَهُ رَاغِبًا، يَا أَيُّهَا أَنْتَ وَ أُمِّي، أَنْتِكَ مَتَّعِرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَ مَتَّعِرًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، ابْتِغَاءً بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مَتَّعِدًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحْفَاهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَبَيْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَنْتِكَ مِنْ شَفْعَةِ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ قَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَ أَنْتِ مَا أَسْخَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعَ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فُقْرِي وَ حَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَ أَنْتِكَ مَكْرُوبًا، وَ سَكَبْتُ عَيْرَتِي عِنْدَكَ بِأَكْبَارِي، وَ صِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَ أَنْتِ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَ حَتَّى عَلَى بَرِّهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِحُبِّهِ، وَ رَغَبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ الْهَمْنِي طَلَبَ الْخَوَانِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْفَى مِنْ تَوْلَاكُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مِنْ آتَاكُمْ، وَ لَا يَخْسِرُ مِنْ يَهْوَاكُمْ، وَ لَا يَسْتَعِدُّ مِنْ عَادَاكُمْ».

زیارت وداع حرم پیامبر(ص)

مستحب است هنگام وداع با پیامبر(ص) بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَإِنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنْتَ قَدِ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيُّمَةَ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، فَاحْشِرْنَا مَعَهُمْ، وَفِي زَمْرَتِهِمْ، وَتَحْتَ لُؤَاءِهِمْ، وَلَا تَفْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.»

و پس از وداع با حرم رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، حرم ائمه بقیع(علیهم السلام) را زیارت کند، و با آنان وداع نماید و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَةَ الْهُدَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَفْرءُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، أَمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.»